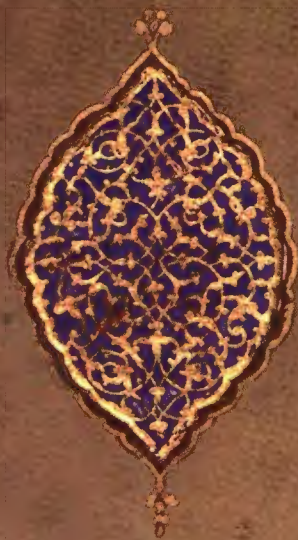


دیوان منجمک ترمذی

— اشعار پراکنده —

(سده چهارم هجری)



به کوشش

احسان شواربی مقدم

DĪVĀN-I MUNJĪK-I TIRMIZĪ

Collected Poems

(4th A.H. Century)

ابوالحسن علی بن محمد منجیک ترمذی از شعرائی سده چهارم هجری است. وی از دوران جوانی در دربار شاهان چغانی به مدح سرایی مشغول بوده و ابوالمظفر احمد چغانی و طاهر بن فضل چغانی از جمله ممدوحین او بوده‌اند. منجیک در قصیده سرایی، شاعری پیچیده دست بوده و محتوای غالب اشعار او مدح و هجو است. در حال حاضر نسخه‌ای از دیوان او باقی نمانده و تنها ابیات مختصری از وی در برخی منابع پراکنده است. این منابع را می‌توان در چهار دسته شامل تذکره‌ها، لغت‌نامه‌ها، جنگ‌ها و کتب بلاغی قرار داد. در این کتاب، ابیات منجیک از این منابع گردآوری شده و مورد تصحیح و مقابله قرار گرفته است. تعداد ابیات گردآوری شده، مجموعاً بیش از ۴۰۰ بیت است که در سه بخش شامل ابیات پیوسته، ابیات پراکنده مرتبط و ابیات پراکنده تفکیک شده‌اند.

Compiled by

Ehsan Shavarebi Moghaddam

ISBN 978-600-203-040-5



9 786002 030405



Miras-e Maktoob

Tehran, 2012

- | | | |
|---------------------|---|--|
| سرشناسه | : | منجیک ترمذی، علی بن محمد، قرن ۴ ق. |
| عنوان قراردادی | : | دیوان |
| عنوان و نام پدیدآور | : | دیوان منجیک ترمذی / به کوشش احسان شواربی مقدم. |
| مشخصات نشر | : | تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۱. |
| مشخصات ظاهری | : | چهل و پنج، ۹۸، ۴ ص. |
| فروست | : | مرکز پژوهشی میراث مکتوب: ۲۴۲. |
| شابک | : | 978-600-203-040-5 |
| وضعیت فهرست نویسی | : | فیا |
| یادداشت | : | کتابنامه. |
| موضوع | : | شعر فارسی - قرن ۴ ق. |
| شناسه افزوده | : | شواربی مقدم، احسان، ۱۳۷۱ - ، گردآورنده. |
| شناسه افزوده | : | مرکز پژوهشی میراث مکتوب |
| رده بندی کنگره | : | PIR ۴۵۲۷ ۱۳۹۱ |
| رده بندی دیویی | : | ۸ فا ۱ / ۲۱ |
| شماره کتابشناسی ملی | : | ۲۰۱۷۵۶۵ |

دیوان مُنچیک تِرمِذی

- اشعار پراکنده -

(سدهٔ چهارم هجری)



به کوشش

احسان شواربی مقدم



دیوان مُنجیک تَرْمِذی

- اشعار پراکنده -

(سده چهارم هجری)

•

به کوشش

احسان شواربی مقدم

•

ناشر

میراث مکتوب

•

مدیر تولید: محمد باهر

•

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملو فرد

•

مدیر فنی امور رایانه: محمود خانی

•

حروفنگار: محمد دمیرچی؛ صفحه آرا: رضا سلگی

•

چاپ اول: ۱۳۹۱ هـ ش

•

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

•

بها: ۴۵۰۰ تومان

•

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۰۴۰-۵

•

چاپ: نقره آبی؛ صحافی: افشین

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی مرکز: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین،

شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم، واحد ۹، کد پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹، صندوق پستی: ۵۶۹ - ۱۳۱۸۵،

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

دریایی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در خمی خطی موج می زند. این نسخه با دقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامیده ایرانیان است. بر عمده هنر ملی است که این میراث پرارج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با همه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تتبع در آنها انجام گرفته و صد مکتب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار نگارنده بسیار است و هزاران کتاب و رساله خطی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد. احیاء و نشر کتاب ها و رساله های خطی وظیفه ای است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ بهی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اهمیت و ضرورت احیاء و انتشار رساله های خطی ما را بر آن داشت تا در کنار آثار منتشر شده به انتشار این گونه رساله به صورت مستقل بپردازیم و مجموعه ای ارزشمند در موضوعات مختلف در اختیار محققان و پژوهشگران قرار دهیم.

اکبر ایرانی

مدیر عامل مرکز پژوهشی میراث مکتوب

بکسرا طبع هکالاح عزیز

کدستر از چند که لرافش تواری مستم
در راه باز سر عواجم تواری بر جان
لذت عزیز گفتم و درم بهر دست
بیاخ رسیده است بهر گونه
تدیر و تامل است بیره که در کا
ستی است باید از نادر ایم به
آید
از فدا دوزخ برات و کرم
از دوزخ لارم

ب. ۱۴۴۴

خبر از کس

فهرست مطالب

مقدمه مصحح	نه
شرح احوال منجیک ترمذی	نه
ممدوحین و مهجویین منجیک	یازده
شعرای معاصر منجیک	پانزده
سبک اشعار منجیک	هفده
منابع اشعار منجیک	بیست و چهار
تذکره‌ها	بیست و چهار
جنگ‌ها	بیست و شش
کتب بلاغی	سی و دو
فرهنگ‌ها	سی و سه
سایر منابع قدیم	چهل و یک
منابع متأخر	چهل و دو
پیشینه تحقیق درباره منجیک	چهل و سه
درباره کتاب حاضر	چهل و چهار
ابیات پیوسته	۱
ابیات پراکنده مرتبط	۲۷
ابیات پراکنده	۳۵
ابیات منسوب به منجیک	۶۱

۶۵	فهرست‌ها
۶۷	لغات دشوار
۷۴	ترکیبات و اصطلاحات
۸۰	اشخاص
۸۲	جای‌ها
۸۳	کتاب‌ها
۸۳	اقوام و ایام و ملل و نحل
۸۴	گیاهان
۸۶	جانوران
۸۸	اصطلاحات نجومی
۸۸	اصطلاحات موسیقی
۸۹	عبارات عربی
۸۹	اشعار منجیک در منابع
۹۳	منابع

ابیات پیوسته*

اسدی م ص، ص ۱۳۸؛ اسدی پ، ذیل «افروغ»؛ اسدی م، ذیل «افروغ و فروغ»؛ نیز نک: صادقی، ص ۲۹۲

نارنج بین بیار^۱ در آن صحرا^۲ آراسته چو حقّه زرینا^۳
افروغ او ز برگ پدید آید چون آفتاب روشن از جوزا^۴

اوحدی، ج ۶، صص ۳۸۷۹ - ۳۸۸۰؛ جنگ ۲۴۴۶، صص ۶۴۳ - ۶۴۴؛ جنگ ۵۴۹۶ (بجز ابیات ۹ - ۱۱، ۱۶ و ۱۸ - ۲۱)؛ نیز نک: صادقی، صص ۲۹۰ - ۲۹۱.

معدرت نامه‌ای^۵ از من ببر ای باد صبا
کای به خورشید چراغ تو فرستاده فروغ
دوش می‌آمدم آنجا که تویی رقص‌کنان
نیمه ره چو سپردم^۷ به خرد بر خوردم
بگذران بر ملک ملک پس از عرض دعا^۶
وی به مریخ نهیب تو رسانیده صدا
شوق در پیش و طرب هم‌ره و شادی ز قفا
گفت کای عاقله ناطقه را راه‌نما

۵

*. قصاید، غزلیات، قطعات و ابیات باقی‌مانده از مثنوی بحر هزج.

۱. اسدی م: نقاط «بیار» افتاده است. ۲. اسدی پ: نارنج بین بر آن صحرا آراسته.

۳. اسدی م: زرینا؛ اسدی پ: چون لعبتی که باشد پی همتا.

۴. اسدی پ: حواری. ۵. جنگ ۲۴۴۶ و جنگ ۵۴۹۶: معدرت نامه.

۶. جنگ ۵۴۹۶: حمد و ثنا. ۷. جنگ ۵۴۹۶: برفتم.

- با چنین شوق کجا می‌روی و مطلب^۱ چیست
گفت زنهار دگر باده به اندازه بخور
از دم سرد تو دیروز گلستان نشکفت
دست بر دست ز افسوس تو می‌سود چنار ۱۰
- تو که منسوبه عهدی ز تو اینجا عجب است
عرق‌آلود^۴ جبین^۵ گفتمش ای عیب‌تراش^۶
من نه خاقانم کز کاسه فغفور خورم
من تُنک حوصله و ساقی او دریادل ۱۵
- گرچه معقول بدو^۸ ساختم این وجه ولی
گر نه تکلیف تو همسایه امکان بودی
لیکن این عهد به خود کردم کز بعد سه جام
به پریشانی مستان، به تُنک ظرفی من
به حیای نگه یار که از پرده شرم
تا ز نیرنگی آیام و ز ناسازی بخت ۲۰
- باده‌نوشان تو هر صبح به از صبح دگر
با می و نی برسانند هوا را به هوا^{۱۴}

اسدی، ۱، ص ۲۹ (بیت ۲۲)، ص ۳۱ (ابیات ۲۳ - ۲۴)، ص ۵۰ (بیت ۲۴) و ص ۵۳۰ (بیت ۲۳).

ای رخ تو آفتاب و غمزه تو یب کرد فراقت مرا چو زرین آبیب

۱. اوحدی و جنگ ۵۴۹۶: مقصد.
۲. اوحدی: بنشست.
۳. اوحدی: آمده.
۴. اوحدی: عرق‌آلوده.
۵. جنگ ۵۴۹۶: چنین.
۶. جنگ ۲۴۴۶: عیب‌پیش.
۷. جنگ ۲۴۴۶: خجلت آثار.
۸. اوحدی و جنگ ۵۴۹۶: پرو.
۹. اوحدی: قصد.
۱۰. اوحدی و جنگ ۲۴۴۶: به.
۱۱. اوحدی: غیب‌نما.
۱۲. اوحدی: ثواب.
۱۳. اوحدی: برنمی‌آیم.
۱۴. اوحدی: نوا را ز هوا؛ این قصیده در منابع با عنوان «در معذرت از عریده در بزم سلطان» آمده است.

استه و غامی شدم ز درد جدایی هامی و وامی شدم ز خستن مَتَرَب
رنگ^۱ رخ من چو غَمَروآت شد از غم موی سر من سپید گشت چو مَهَرَب

اسدی ا، ص ۴۸۱ (بیت ۲۵)؛ قواس، ص ۱۲۶.

۲۵ بر مستراح کوپله سازیده است در^۲ مستراح کوپله کاشیده است
ترسم اگرش بکرد روزی تا او کلید جوید در لرزیده است

رادویانی، ص ۱۰۰.

تا کی گویی مدار علم به من گشت جان و دلم علم را گزیده وطن گشت
چیست یکی ماده‌ای که بی‌نر پیشت روزی ده ره بزاد و آبستن گشت

جنگ ۵۳ د، ص ۴۴۰.

۳۰ ای آنکه به فضل تو کسی نیست ترا جفت مدحت نه کنم زانکه ندانم بسزا گشت
منجیک چو گوزی بود از رنگی شد (۴) از علّت بسیار بی‌مرد و فروخت
چون آمدنت این^۳ فلک دولت (۴) بشنید چون پیل به جامه اندر فربی شد و بشکفت

هدایت، ج ۵، صص ۱۱۷۶ - ۱۱۷۷؛ جنگ ۵۴۹۶؛ جنگ ۵۳ د،
ص ۴۳۷؛ رادویانی، ص ۵۸ (ابیات ۳۶ - ۳۸)؛ اوحدی، ج ۶،
ص ۳۸۸۲؛ اسدی ا، ص ۳۷۰ (بیت ۳۵)؛ اسدی ه، ص ۸۸، اسدی د،
ص ۱۳۱، اسدی م ص، ص ۱۸۹، نخجوانی، ص ۲۲۴، اوبهی، ص ۲۸۸
و قطران، ص ۲۰۱ (بیت ۳۶)؛ نیز نک: اقبال ح، صص ۱۳۸ - ۱۳۹.

هوا قضاست هوا را به حيله نتوان زد^۴ چو^۵ پرنیان به بر تیر او چو^۶ ز آهن سد

۱. اسدی ا، ص ۳۱: ایکه. ۲. اسدی ا: بر.

۳. اصل: ای.

۴. جنگ ۵۴۹۶: مردی هست؛ اوحدی و جنگ ۵۳ د: مردی نیست.

۵. اوحدی: چه. ۶. اوحدی: چه.

- هواست اینکه همی داردم در این^۱ شبها
 پر از بدایع لفظ و پر از صنایع دست
 ۳۵ فغان من همه زان جعد^۳ بی تکلف اوست^۴
 رسیده آفت نشپیل او^۵ به هر گامی^۶
 چون او نبود و نه هست^۸ و نه نیز خواهد^۹ بود
 به سان عمر و عطای خدایگان بزرگ^{۱۰}
 همه صفات خداوند بر تو زیبا هست
 ۴۰ بدان گهی که برآورده^{۱۲} شد زمین از گرد
 به پشت مردان بر پاره کرده^{۱۳} زخم زره
 ایا بدیع شهی کت نظیر نه^{۱۵} به جهان
- منادم الدبران و مراعی الفرق
 پر از مخاوف^۲ چشم و پر از ظرایف خد
 فکنده طبع برو بر هزار گونه عُقد
 نهاده^۷ کشته آسب او به هر مشهد
 فراق او مُتواتر، هوای او سرمد
 ابوالمظفر شاه چغانیان^{۱۱} احمد
 برون ازین دو صفت: لم یلد و لم یولد
 نه وادی از کُه پیدا، نه ابیض از اسود
 به روی اسبان بر سرخ کرده خون^{۱۴} مقود
 میان خلق چو سیمرغ مفردی مفرد

هدایت، ج ۵، ص ۱۱۸۰؛ اوحدی، ج ۶، ص ۳۸۷۹؛ جنگ ۵۴۹۶:
 جنگ ۲۴۴۶، ص ۶۴۴.

ای مجلسیان حضرت شاه دریای شمانهنگ دارد

۱. جنگ ۵۳: د برین.
۲. جنگ ۵۴۹۶: مخاذف؛ هدایت: محاذف.
۳. جنگ ۵۳: د همه جعد.
۴. هدایت و اقبال ح: تست؛ جنگ ۵۴۹۶ و جنگ ۵۳: د نیست.
۵. نخجوانی: آفت تقبیل او؛ هدایت و جنگ ۵۴۹۶: آفت تشویش او؛ جنگ ۵۳: د آتش تشبیک و.
۶. هدایت، جنگ ۵۳، د، جنگ ۵۴۹۶، اسدی ه و نخجوانی: کامی.
۷. هدایت، اوحدی، جنگ ۵۴۹۶ و جنگ ۵۳: د فکنده.
۸. هدایت: چنون نبوده نه هست؛ اوحدی: چنو نه بوده و هست؛ جنگ ۵۴۹۶: نه هست و نه بود؛ اقبال ح: چنو نبوده نه هست.
۹. اوحدی و جنگ ۵۳: د شاید.
۱۰. هدایت، اوحدی، جنگ ۵۴۹۶ و جنگ ۵۳: د جهان.
۱۱. هدایت: شاه جهان پناه؛ جنگ ۵۳: د جهانیان.
۱۲. جنگ ۵۳: د برآشفته.
۱۳. اوحدی: به پشت مردان بر باره؛ جنگ ۵۳: د نه پشت مردان بر باره.
۱۴. اوحدی و جنگ ۵۳: د چون.
۱۵. جنگ ۵۳: د نی.

ابیات پراکنده مرتبط

رادویانی، ص ۹ (بیت ۲۴۱) و ص ۳۴ (بیت ۲۴۲)؛ ادیبی، ص ۳ پ
(بیت ۲۴۱، به نام عنصری)؛ اسدی، ص ۴، اسدی م ص، ص ۲۴،
اسدی س، ص ۶۱۳ (بدون نام شاعر)، اسدی ص، ص ۸؛ اسدی ک،
ص ۱۶۴ پ، نخجوانی، ص ۲۷ و جاروتی، ص ۱۰ (بیت ۲۴۳).

نگذاشت چو تو هیچ رزم رستم ناراست چو تو هیچ بزم^۱ دارا

*

آن تلخ و بدو عمر تلخ شیرین آن زرد و بدو روی زرد حمرا

*

با سهم تو آن را که^۲ حاسد تست پیرایه کمندست و خلد^۳ کمرا

اسدی، ص ۳۸۳ و سروری، ج ۱، ص ۴۶۳ (بیت ۲۴۴)؛ اسدی م ص،
ص ۲۰، اسدی پ، ذیل «ترازو و شاهین»، اسدی م، ذیل «ترازو»، نیز
نک: صادقی، ص ۲۹۲ (بیت ۲۴۵).

تا ابوبکر تویی^۴ چون قصب شکرریز وان دگر مؤذن خام آمده از خرغونا^۵

*

۱. رادویانی خ، ص ۲۳۸: رزم.

۲. اسدی ص: با خشم تو آن [را] که؛ اسدی ک: با خشم تو آنک؛ ادیبی: با سهم تو آن که.

۳. اسدی ص: کمندست [و] کله؛ اسدی ک: کمند شب کله (۴)؛ نخجوانی: کمندست و چله؛ ادیبی: کمند و خلد.

۴. سروری: با ابی بکری شوی. ۵. اسدی ا: دین یکی مؤذن خام آمده از خرغون.

۲۴۵ روز را با شب نوروز به یک شاهین سخت این به اندازه چو سین^۱ آمد و آن چون نونا

اسدی ا، ص ۱۹۵ (بیت ۲۴۶) و ص ۳۸۹ (بیت ۲۴۷)؛ اسدی ه، ص ۴۴ (بیت ۲۴۶) و ص ۹۸ (بیت ۲۴۷)؛ اسدی د، ص ۶۱ (بیت ۲۴۶) و ص ۱۴۶ (بیت ۲۴۷)؛ نخجوانی، ص ۱۴۳، اوبهی، ص ۱۶۱، قطران، ص ۱۰۸ (به نام رودکی)، ادیبی، ص ۳۱ پ و فرهنگ ۱۳۹۲، ص ۳۴ (بیت ۲۴۶).

دوش دانستم کاین رنج همه وسواس است^۲ مردم داس و دلوس^۳ از درِ روی^۴ آماس است

*

ما برفتیم و شده نوژان کحلان^۵ پس ما به شبی گفתי تو کش سَلَب از انقاس است

اسدی ا، ص ۲۰۰.

خواجه یکی غلامک رُس دارد کز ناگوارد خانه چو تس دارد

*

ایدون به طبع ... خورد گویی چون ما کیان به ... در ... دارد

اسدی ا، ص ۹۳ (بیت ۲۵۰) و ص ۱۳۶ (بیت ۲۵۱)؛ اوحدی، ج ۶، ص ۳۸۷۸؛ اسدی ه، ص ۳۱، اسدی د، ص ۴۱، تتوی، ج ۲، ص ۸۸۲ (بیت ۲۵۰، مصراع اول) و قواس، ص ۹۳ (بیت ۲۵۰)؛ اسدی م، ص ۱۰۰ (بیت ۲۵۱)؛ نخجوانی، ص ۷۹ (بیت ۲۵۰) و ص ۱۰۵ (بیت ۲۵۱)؛ سروری، ج ۲، ص ۷۲۶ (بیت ۲۵۰) و ج ۲، ص ۶۶۳ (بیت ۲۵۱)؛ فرهنگ ۱۳۹۲، ص ۱۰ (بیت ۲۵۰).

۲۵۰ ای سند^۶ چواستر چه نشینی^۷ تو براستر چون خویشتنی را نکند^۸ مر مسخر

*

۱. اسدی م و صادقی: شین. ۲. اسدی ه: کین رنج بچه بس داست.

۳. فرهنگ ۱۳۹۲: دیوس. ۴. فرهنگ ۱۳۹۲: رو.

۵. اسدی ا: و کحلان؛ اسدی ه: و کچلان؛ اسدی د: کچلان.

۶. این دو کلمه در «اوحدی» جا افتاده است. ۷. اوحدی: اشتر چه نشستی.

۸. سروری: چون خویشتنش را بکند.

گفتم^۱ که منم مهتر بازار نمدها^۲ بس کاج خورد مهتر بازار و زیگر^۳

اسدی ا، ص ۱۷۸ (بیت ۲۵۲) و ص ۲۸۳ (بیت ۲۵۳)؛ اسدی ه، ص ۴۱، (بیت ۲۵۲) و ص ۶۸ (بیت ۲۵۳)؛ اسدی د، ص ۵۶ (بیت ۲۵۲) و ص ۹۹ (بیت ۲۵۳)؛ نخجوانی، ص ۱۳۷ (بیت ۲۵۲) و ص ۱۸۳ (بیت ۲۵۳)؛ اسدی م ص، ص ۱۲۰، قواس، ص ۳۷، اوبهی، ص ۲۵۳، قطران، ص ۱۷۵ و ادیبی، ص ۳۰ (بیت ۲۵۲).

ویحک^۴ ای برقی ای تلخ تر از آب فرژ تاکی این طبع بد^۵ تو که بگیرد^۶ سر پز^۷

*

چشم چون خانه^۸ غوک آب گرفته همه سال لفق چون موزه خواجه حسن عیسی کز

رادویانی، ص ۱۳۶ (بیت ۲۵۴) و ص ۹۸ (بیت ۲۵۵).

چندین چه نالد این حمام^۹ مطوق نش دل پر درد و نه روان معوق

*

۲۵۵ هر که بدوبنگرد چه گوید، گوید ماه متوج شدست و سرو مقرطوق

اسدی ا، ص ۸۲ (بیت ۲۵۶) و ص ۲۵۴ (بیت ۲۵۷)؛ اسدی م ص، (بیت ۲۵۶) و ص ۱۴۶ (بیت ۲۵۷)؛ نخجوانی، ص ۶۹ (بیت ۲۵۶) و ص ۱۸۴ (بیت ۲۵۷)؛ وفایی، ص ۱۶۳ (بیت ۲۵۶) و ص ۱۵۲ (بیت ۲۵۷)؛ فرهنگ ۱۳۹۲، ص ۷ (بدون نام شاعر، بیت ۲۵۶) و ص ۵۴ (بیت ۲۵۷)؛ اوحدی، ج ۶، ص ۳۸۷۸ (بیت ۲۵۶)؛ اسدی ه، ص ۶۴، اسدی د، ص ۹۲، قواس، ص ۱۰۴، قطران، ص ۱۷۶ و ادیبی، ص ۳۹ (به نام کسایی، بیت ۲۵۷).

۱. اسدی ا: گوید؛ سروری و نخجوانی: گویی.

۲. اسدی ا: شهرها.

۳. اسدی ا: بس کاج خورد مهتر بازار و زابگر؛ سروری: بس خورده ای ای مهتر بازار زیگر.

۴. نخجوانی: ویحکی.

۵. قطران، ۱۷۵: بدی؛ ادیبی: طمع بد.

۶. اسدی ه، اسدی د و اوبهی: گرفتی.

۷. نخجوانی: فرژ.

۸. اسدی ه و اسدی د: جامه.

۹. رادویانی: حمام؛ رادویانی خ، ص ۲۸۹: حمام.

اندر جهان کلوخ فراوان بود بسی^۱ روی تو آن کلوخ کزو^۲ ... کنند پاک

✱

آن کت کلوخ روی لقب کرد خوب^۳ کرد ایرا^۴ لقب گران نبود بر دل فغاگ

اسدی ا، ص ۲۹۳، اسدی ه، ص ۶۴، اسدی د، ص ۹۲ و نخجوانی،
ص ۱۸۱ (بیت ۲۵۸)؛ تتوی، ج ۱، صص ۵۹۷ و ۶۸۱، سروری، ج ۱،
ص ۴۴۸ (بدون نام شاعر) و ج ۲، ص ۵۳۶ (به نام رودکی) (بیت
۲۵۹)؛ پادشاه، ج ۳، ص ۱۸۹۶ (بیت ۲۵۸) و ج ۲، ص ۱۶۵۷ (بیت
۲۵۹).

... چو دفنوک پاره پاره شده چاکرت^۵ بر کتف نهده دفنوک

✱

از بزرگی که هستی ای خشتوک^۶ چاکرت بر کتف نهده دفنوک

اسدی ا، ص ۲۹۵ (بیت ۲۶۰) و ص ۲۹۲ (بیت ۲۶۱)؛ اسدی ه،
ص ۶۲ و اسدی د، ص ۸۹ (بیت ۲۶۰)؛ وفایی، ص ۱۸۲ و فرهنگ
۱۳۹۲، ص ۶۷ (بیت ۲۶۱).

۲۶۰. ای تو چوشنگی که همچوشنگ کنی چنگ(؟) وی تو^۷ چو مومی که همچو موم کنی سنگ

✱

هر که ترا هجو گفت^۸ و هجو ترا خواند روز شهادت^۹ زبان او نشود^{۱۰} گنگ

۱. اسدی ا و فرهنگ ۱۳۹۲: ولی؛ نخجوانی، اوحدی و وفایی: ولیک.
۲. وفایی و فرهنگ ۱۳۹۲: کران.
۳. نخجوانی، وفایی و فرهنگ ۱۳۹۲: نیک.
۴. اسدی ا، قواس و قطران: زیرا؛ وفایی و فرهنگ ۱۳۹۲: زینسان.
۵. اسدی ا: چاکرش.
۶. پادشاه، ج ۳، ص ۱۸۹۶: خوشنوک: تتوی: خشنوک.
۷. اسدی ه: و تو.
۸. وفایی و فرهنگ ۱۳۹۲: کرد.
۹. فرهنگ ۱۳۹۲: قیامت.
۱۰. وفایی: بشود.